یادداشت

نشانه‌گرفتن دموکراسی اروپایی

● **اردشیر زارعی‌قنواتی:** کشتی یونان در باتلاق نهادهای مالی بین‌المللی و اروپایی در شرایطی سرگردان شده است که با تصمیم «الکسیس سیپراس»، نخست‌وزیر چپ‌گرای این کشور، قرار است در یک روند دموکراتیک، مردم این کشور با شرکت در یک همه‌پرسی درباره بسته پیشنهادی بستانکاران مالی، تکلیف آینده سیاسی و اقتصادی خود را مشخص کنند. از همان روزی که رهبر حزب «سیریزا» با سخنان پرشور و احساسی خود برای برون‌رفت از بن‌بستی که بین مذاکره‌کنندگان یونانی و ترویکای اروپایی-صندوق بین‌المللی پول- به وجود آمده بود، مردم یونان را برای داوری نهایی به کمک گرفت، سایه وحشت و تهدید نهادهای مالی حوزه یورو و صندوق بین‌المللی پول آن‌چنان فضای یونان را درنوردید که هر انسان منصف و آزاداندیشی را به یاد هجوم و حملات ددمنشانه «داعش» به شهرهای سوریه و عراق می‌انداخت. تنها تفاوت ماجرا در این است که درباره یونان، مهاجمان به‌جای سر بریدن و سوزاندن با ظرافت بیشتری گلوی گروگان‌های خود را آن‌چنان فشار می‌دهند که راه تنفس و تغذیه آنها بسته شود؛ ولی در هر دو حالت نتیجه یکی است و آن خفه‌کردن یا به‌زانودرآوردن دشمن است. درحالی‌که به‌لحاظ حقوقی و طبق موازین قانونی حوزه پولی یورو و منشورهای حاکم بر شکل‌گیری اتحادیه اروپا، هیچ اشاره و مصوبه حقوقی دال بر اخراج اتوماتیک‌وار یک عضو از عضویت در این نهادها پیش‌بینی نشده است و رهبران یونان نیز به‌طور قاطع از خارج‌نشدن خود از حوزه یورو، حتی در صورت رأی منفی مردم در همه‌پرسی به پیشنهادات بستانکاران مالی سخن گفته‌اند، تهدیدات کنونی رهبران اروپایی مبنی‌بر اخراج آتن از حوزه یورو و اتحادیه اروپا بیش از اینکه بار حقوقی داشته باشد، معطوف به وحشت‌آفرینی سیاسی است.

همه‌پرسی امروز یونان تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر تحولات درون حوزه پولی یورو و همچنین آینده اتحادیه اروپا خواهد گذاشت که اولین تبعات آن به چرایی برنامه شکست‌خورده «ریاضت اقتصادی» برمی‌گردد. به‌همین‌دلیل از هم‌اکنون نهادهای مالی اروپایی-بین‌المللی در چارچوب حفاظت از نظام نئولیبرال موجود، تمام تلاش خود را برای درامان‌ماندن از تبعات منفی نتایج آن به‌کار بسته‌اند. تهدید به اخراج یونان از حوزه یورو و اتحادیه اروپا، نوعی وحشت‌آفرینی در جامعه یونانی است که به‌دلیل نقش بازدارنده آن برای جلوگیری از رأی منفی یونانیان به پیشنهادات بستانکاران مالی به‌کار گرفته شده است. این در حالی است که به لحاظ حقوقی در چارچوب یک جامعه دموکراتیک مراجعه به افکار عمومی برای تصمیم‌گیری‌های کلان سیاسی-اقتصادی نافی هیچ اصل دموکراتیکی تلقی نمی‌شود. در وهله اول، پیام‌های هشداردهنده و تهدیدآمیز نهادهای اروپایی به مردم یونان، به تنبیه یک ملت برای انتخاب یک جناح سیاسی مخالف برنامه‌های ریاضتی برمی‌گردد و در وهله دوم، معطوف به پاسداری و پافشاری بر سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی است که هرگونه اخلالی در آن با توجه به نارضایتی عمومی در کل اروپا می‌تواند راه را برای دیگران نیز به‌منظور نفی و نقض این برنامه‌ها هموار کند؛ هرچند اقتصاد یونان بسیار کوچک و براساس آمارها تنها دو درصد از مجموع اقتصاد اتحادیه اروپا را دربرمی‌گیرد، اما ریسک پذیرش تأثیر آن در حوزه کلان منطقه می‌تواند ریل‌گذاری برای قطاری باشد که مقصد متفاوتی را مدنظر و هدف گرفته است. مذاکرات چندهفته‌ای دولت چپ‌گرای سیپراس در شرایطی با وام‌دهندگان اروپایی و بین‌المللی با شکست روبه‌رو شد که هیچ‌کدام از طرفین دعوی برنامه مدون و سیاست حقوقی منسجمی درباره تحولات آتی، یا در صورت رأی منفی مردم یونان در همه‌پرسی، ندارند. به‌همین‌دلیل روند حرکتی تحولات در یک تونل تاریک رقم می‌خورد که از قبل هیچ روشنایی در انتهای آن برای بازیگران میدان رقابت دیده نمی‌شود. در چنین شرایطی، جدا از لفاظی‌های دو طرف هیچ‌کدام قدرت تحلیل وضعیت نامعلوم آینده را ندارند و سرانجام منازعه، بیشتر در موقعیت «قضا و قدر» در حال رقم‌خوردن است. این وضعیت در شرایط هژمونی نهادهای مالی بر اقتصاد حوزه یورو و ازجمله یونان، موجب می‌شود در نبود «آلترناتیو»ی مناسب، توده‌های رأی‌دهنده دچار توهمات و ترس‌های پیش‌بینی‌نشده شوند و عرصه بر دولت چپ‌گرای آتن تنگ‌تر شود. رأی نه در همه‌پرسی احتمالی می‌تواند برای دولت سیپراس یک پیروزی و تقویت جایگاه توده حامی این جناح سیاسی در جامعه یونان تلقی شود و به‌تبع آن بعید به‌نظر می‌رسد بروکسل ریسک خط قرمز کشیدن بر عضویت یونان در حوزه یورو و اتحادیه اروپا را بیازماید. از طرف دیگر، رأی آری یونانیان به پیشنهادات نهادهای سه‌گانه مالی می‌تواند حامل یک پیام بزرگ برای دولت سیپراس باشد که هرچند مخالفان او به‌دلیل اکثریت پارلمانی سیریزا و متحدانش به‌لحاظ حقوقی، قدرت ساقط‌کردن دولت را ندارند، اما از نظر موقعیت اخلاقی و بار سیاسی موضوع، حداقل سیپراس را از مسند نخست‌وزیری به زیر خواهند کشید. هنوز برای تفاهم و مصالحه بین آتن و بروکسل، حتی بعد از همه‌پرسی وقت هست و هر دو طرف با توجه به ریسک و هزینه‌های کلانی که در آینده و در صورت گسترش منازعه خواهند پرداخت، نیم‌نگاه محافظه‌کارانه‌ای هم به عدول از مطالبات خود خواهند داشت.

نگاهی به مشکل آتن با اتحادیه اروپا از زاویه‌ای دیگر

مقصر اصلی بحران یونان کیست

مونس نظری

چندین یونانی، ایتالیایی و اسپانیایی به کافه‌ای می‌روند که چند فرانسوی و آلمانی متصدی آن هستند. نوشیدنی‌ها تخفیف خورده‌اند و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها نوشیدنی‌های نصفه‌قیمت سرو می‌کنند. اگرچه افراد همگی به‌سرعت و زیاده از حد می‌نوشند، کافه‌داران به سرویس‌دادن ادامه می‌دهند. درنهایت مشتریان نیمه‌هوشیار به خانه می‌روند و همگی دچار انواع دردسرها می‌شوند: عده‌ای در مسیر دعوا می‌کنند، عده‌ای اتومبیلشان تصادف می‌کند و البته به شیشه ساختمان‌ها هم رحم نمی‌کنند. در اینجا چه کسی مستحق سرزنش‌شدن است؟ واضح است، یونانی‌ها نباید در نوشیدن زیاده‌روی می‌کردند. اگرچه فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها هم با مشاهده زیاده‌روی آنها در نوشیدن، نباید به سرویس‌دادن ادامه می‌دادند؛ خصوصا اگر به شکسته‌شدن شیشه‌ها در همسایگی خودشان اهمیت می‌دادند. متأسفانه این داستان خیلی هم خنده‌دار نیست. یونان پس از گذراندن یک دوره طولانی خوش‌گذرانی و بی‌مبالاتی، به بحران اقتصادی دچار شده است و به‌این‌ترتیب اقتصاد اروپا را هم دارد با خود پایین می‌کشد. در روزهای اخیر، یونان در پرداخت بدهی‌هایش به صندوق بین‌المللی پول، مرتکب قصور شده و از جاری‌شدن مبالغ کلان از بانک‌ها به خارج از کشور خودداری می‌کند. روز یکشنبه، این کشور در مسیر همه‌پرسی قرار گرفت تا تصمیم بگیرد آیا باید شرایط سخت ریاضت اقتصادی تعیین‌شده از طرف اروپا را بپذیرد یا نه؛ تصمیمی که به بقای یونان در منطقه یورو یا جدایی این کشور از آن، منجر خواهد شد. بعضی از دلایل این بحران برای هر ناظری واضح و مبرهن است. یونان چندین مشکل اقتصادی شناخته‌شده دارد: بخش دولتی آن فربه شده و غرق در فساد دولتی است و بسیاری از تحلیلگران معتقدند این کشور ارقام را دست‌کاری کرده تا میزان واقعی بدهی خود را از سایر بخش‌های اروپا پنهان کند.

از سوی دیگر، طبق اسناد، بسیاری از مشکلات نیز از ساختار حوزه یورو ناشی می‌شود و آن اینکه با وجودی‌که کشورهای این حوزه سیاست‌های بودجه‌بندی و مالیاتی مختلفی دارند، واحد پولی‌شان مشترک است. این موضوع یعنی گرچه کارگران یونانی از نظر درآمدی قابل قیاس با کارگران آلمانی نیستند، یونان نمی‌تواند برای ارزان‌کردن محصولاتش در کشورهای خارجی و جان‌بخشی به صادرات، ارزش پول خود را پایین بیاورد. این مسئله در مورد تورم هم صدق می‌کند، یعنی همان‌جایی که یونان می‌تواند از نرخ بالای تورم بهره برده و باعث کاهش بهای وام و قرضه به قیمت روز شود، درحالی‌که آلمان به‌طور تاریخی با هر سیاستی که باعث برانگیخته‌شدن تورم شود، سخت مقابله می‌کند.

ریشه‌های عمیق‌تر

نقطه‌نظرات و ایده‌های دیگری نیز در مورد ریشه‌های عمیق‌تر بحران یونان وجود دارد که ممکن است عموم مردم کمتر با آنها آشنا باشند. هنگامی که یونان در سال ۲۰۰۲ به منطقه یورو پیوست، می‌توانست با یک تعهد ضمنی بین‌قاره‌ای، با نرخ سود بسیار پایین وام بگیرد که در این کار به‌شدت زیاده‌روی کرد. به بیان ماتیاس متایز، استاد دانشگاه جان هاپکینز و یکی از نویسندگان کتاب تازه‌انتشاریافته «آینده یورو»: «با توجه به نرخ رشد بالای اقتصادی، کسی در مورد این موضوع نگرانی به‌خود راه نمی‌داد».مابین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۷، نرخ رشد سالانه اقتصادی یونان به ازای هر نفر، ۸.۳ درصد بود که دومین رتبه را در تمام اروپا از آنِ این کشور می‌کرد، ولی از درون ضعف‌هایی وجود داشت. اقتصاد پررونق یونان و سایر کشورها نظیر ایرلند و اسپانیا، باعث بالارفتن قیمت‌ها شد و این کشورها شروع به پرداخت دستمزدهایی سخاوتمندانه به کارگرانشان کردند؛ اقدامی که باعث بالارفتن قیمت اقلام صادراتی آنها شد. این موضوع سبب شد این کشورها کمتر رقابتی باشند، ولی از آنجا که به‌سرعت در حال رشد بودند، این موضوع برای آنها اهمیت چندانی پیدا نمی‌کرد. سپس بحران مالی اتفاق افتاد. با کاهش رشد اقتصادی، ضعف رقابتی این کشورها و ناپایداری اقتصادی ناشی از بار بدهی‌هایشان به میزان قابل‌توجهی آشکار شد. «متایز» معتقد است: «این درست همان زمانی است که مد دریا به پایان می‌رسد و شما می‌توانید ببینید چه کسی بدون لباس دارد شنا می‌کند».

روایت کمتر شناخته‌شده

«متایز» می‌گوید روایت دیگری هم وجود دارد که قانع‌کننده‌تر به‌نظر می‌رسد. درواقع او می‌گوید این داستان توضیح می‌دهد چرا «کافه‌داران» به سرویس‌دادن ادامه داده‌اند.

در اواسط دهه ۱۹۹۰، حتی پیش از تشکیل یورو، بازارها روی این موضوع که یورو به واقعیت تبدیل خواهد شد، حساب ویژه‌ای باز کرده بودند. به‌طور خاص، سرمایه‌گذاران در بسیاری از بخش‌های شمالی اروپا، مطمئن بودند نرخ‌های بهره در شمال و جنوب اروپا به سمت هم‌گراشدن پیش خواهد رفت. در آن زمان، نرخ بهره در جنوب اروپا، بسیار بالاتر از شمال آن بود؛ دلیلش هم به‌سادگی این بود که مردم فکر می‌کردند سرمایه‌گذاری در کشورهایی نظیر یونان، بسیار پرریسک‌تر از سرمایه‌گذاری در کشوری نظیر آلمان است. طبق پیش‌بینی‌های منطقه یورو، سرمایه‌گذاران مقادیر زیادی پول را در سهام‌های زودبازده بخش‌های جنوبی اروپا سرمایه‌گذاری می‌کردند. این امر منجر به پایین کشیده‌شدن سهام و تحریک بخش قرضه و سهام در کشورهای جنوبی شد. و درنهایت، حق با سرمایه‌گذاران بود. نرخ بهره یونان در ۱۰ سال از حدود ۲۰ درصد در اوایل دهه ۱۹۹۰ به سه درصد در سال ۲۰۰۲ رسید. «آنها با شرط‌بندی بر سر نرخ بالای بهره در آن کشورها، مبالغ بالایی به دست آوردند. این امر، پیش از تشکیل یورو، سوخت رونقی را مهیا کرد که اقتصاد این کشورها را بیش از حد لازم به جنب‌وجوش انداخت».متایز می‌گوید: وقتی جنب‌وجوش اقتصادی بیش از حد زیاد شود، تعجبی ندارد که بعد رقابتی آن آسیب ببیند. به‌طور خلاصه، بسیاری از کشورهای شمالی، از آنجایی که شخصا به‌دنبال سود بودند، به‌شدت پیگیر رژیمی مالی بودند که با اقتصاد یونان همخوانی نداشت. عده زیادی، به‌حق، یونانی‌ها را به خاطر بحران کنونی سرزنش می‌کنند، ولی متایز معتقد است خیلی از این انتقادات به کشورهای شمالی هم مربوط است. متایز این شرایط را با بحران وام‌های رهنی بدون پشتوانه آمریکا مقایسه می‌کند. چه کسی در مورد بحران مسکن ایالات‌متحده کاملا در اشتباه بود: وام‌گیرندگانی که به خرید خانه‌هایی می‌پرداختند که استطاعت پرداختش را نداشتند، یا وام‌دهندگان یغماگری که آنها را به خرید تشویق می‌کردند؟ متایز با اشاره به کشورهای جنوب اروپا، می‌گوید: «آلمان‌ها مقایسه را دوست نداشتند، اما حریص بودند. آنان به‌دنبال اوراق قرضه پرسودتر و سرمایه‌گذاری در آنجا بودند».

منبع: واشنگتن‌پست

یونان بر سر دوراهی

بابک قرائی‌مقدم

«الکسیس سیپراس»، نخست‌وزیر چپ‌گرای یونان، بسته پیشنهادی اروپا را به رفراندوم گذاشت و پارلمان، با وی همگام شد. این اقدام در حالی صورت گرفت که سیپراس و همکارانش حاضر به پذیرفتن این پیشنهاد در جلسات متعددی که با وام‌دهندگان بین‌المللی یونان ازجمله صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا داشتند، نشدند. سیپراس در یک سخنرانی تلویزیونی، طرح ارائه‌شده به این کشور را «تحقیرآمیز» خواند. او در سخنان خود گفت پیشنهادهای ارائه‌شده به یونان، نقض صریح مقررات اروپایی در زمینه کار، برابری و منزلت انسانی است. او بیان کرد: «هدف برخی از شرکا و نهادهای طرف مذاکره با یونان، یک راه‌حل موردقبول همگان نیست، بلکه تحقیر مردم است».

وام‌دهندگان بین‌المللی یونان ازجمله صندوق بین‌المللی پول و اتحادیه اروپا، خواهان آن هستند که یونان دست به اصلاحات اقتصادی بیشتری بزند. بیشتر این اصلاحات شامل سیاست‌های سخت‌گیرانه ریاضت اقتصادی، ازجمله افزایش سن بازنشستگی و کاهش مزایای بازنشستگان است که با تعهدات انتخاباتی دولت آقای سیپراس تعارض دارد.

قبول این پیشنهاد عملا می‌توانست به معنای عدول از وعده‌های انتخاباتی سیپراس و حزب «سیریزا» باشد. هم‌اکنون دولت به‌نوعی مسئولیت این تصمیم حیاتی را بر شانه خود مردم یونان قرار داده است. پاسخ «آری» در این رفراندوم به‌منزله قبول پیشنهاد طلبکاران و الزام دولت توسط رأی‌دهندگان به اعمال سیاست‌های ریاضت اقتصادی با همان شدت که طلبکاران به یونان دیکته می‌کنند، خواهد بود. از طرفی پاسخ «نه» رأی‌دهندگان بار دیگر پایبندی دولت سیپراس به وعده‌های انتخاباتی او را تأیید کرده و شاید به دولت او این قدرت را دهد که به طلبکاران یونان یادآوری کند که یونانی‌ها در این تصمیم‌گیری همراه آنها هستند. اما مسئله این است که پاسخ «نه» رأی‌دهندگان ممکن است کشور یونان را تا حدود زیادی به مسیری بدون بازگشت ببرد. واقعیت این است که هم‌اکنون نیز یونان با بازپرداخت نکردن بدهی خود در تاریخ مقرر به صندوق بین‌المللی پول، به‌عنوان اولین کشور پیشرفته‌ای شناخته شده است که در بازپرداخت یک وام به این صندوق ناکام می‌ماند. این تحول کشور یونان را با خطر ترک حوزه یورو مواجه می‌کند. پاسخ «نه» رأی‌دهندگان و اصرار کاملا محتمل طلبکاران به خواسته خود، ممکن است دولت را مجبور به انتشار پول موازی یورو یا «دراخما»، واحد پول قدیمی یونان، کند که به‌طور قطع ارزش این واحد پول، پایین‌تر از یورو است.

عواقب چنین تصمیمی در کوتاه‌مدت برای مردم یونان سخت خواهد بود اما در درازمدت ممکن است این تصمیم‌گیری آنچنان نیز بد نباشد. اگر یونان تصمیم بگیرد واحد پول جدیدی با ارزشی به‌طور قطع، پایین‌تر از یورو را دوباره در آن کشور رواج دهد، این مسئله ممکن است باعث رشد نسبتا سریع صنعت توریست و حتی ورود بعضی سرمایه‌گذاران به یونان شده تا در این شرایط بحرانی بتواند چرخ اقتصاد بی‌حرکت یونان را باری دیگر به حرکت دربیاورد؛ اگرچه نداشتن ثبات اقتصادی در یونان و عدم بازپرداخت بدهی توسط این کشور، حتما در کوتاه‌مدت سبب فرار سرمایه از بانک‌ها و همین‌طور کشور خواهد شد.

این شرایط البته تنها برای یونان مبهم و غیرقابل پیش‌بینی نیست. اتحادیه اروپا نیز در حال از دست‌دادن اعتبار و قدرت خود در جهان است. اتحادیه اروپا از طرفی نمی‌توانست پیشنهادات بهتری به یونانی‌ها دهد، زیرا به‌طورقطع، سایر کشورهای عضو که بدهکاری‌های مشابهی داشتند، انتظار نرمش بیشتری خواهند داشت. اما از طرف دیگر به‌نظر نمی‌رسد حل‌نکردن این بحران و خروج احتمالی یونان از پول واحد اروپایی و اتحادیه اروپا، برای این اتحادیه سودمند باشد. آلکسیس سیپراس از مردم کشورش خواست در همه‌پرسی امروز برای تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا رد شرایط وام‌دهندگان، رأی «نه» دهند. او در یک سخنرانی تلویزیونی گفت رأی «نه» به معنی جداشدن از اتحادیه اروپا یا یورو نیست، بلکه بازگشت به اروپایی است که اصول دارد. سیپراس می‌گوید رأی نه رأیی است که «ما به پدران و مادران خود، فرزندان خود و خودمان بدهکاریم. این وظیفه ماست. ما این کار را به تاریخ بدهکاریم». به‌طور قطع تصمیمات آتی برای تاریخ یونان سرنوشت‌ساز خواهد بود. باید دید این تصمیمات، این کشور را به چه سمتی خواهد برد. آیا این تصمیمات، پایانی سریع برای رؤیای اروپای واحد است.

خبر

حملات موشکی حوثی‌ها به ۲ شهر عربستان

● خبرگزاری «صبا» که تحت‌نظر حوثی‌های یمن است، به نقل از منابع نظامی این گروه گزارش داد واحدهای نظامی، پایگاه‌های نظامی در دو شهر «نجران» و «جیزان» (جازان) عربستان‌سعودی را با موشک هدف قرار داده‌اند. به گزارش دویچه‌وله، این دو شهر در جنوب عربستان‌سعودی و در نزدیکی مرزهای یمن قرار دارند. جیزان شهری بندری در ساحل دریای سرخ است. حوثی‌ها می‌گویند در جریان این حملات چندین سرباز ارتش عربستان‌سعودی کشته و زخمی شده‌اند. عربستان‌سعودی درباره این گزارش خبرگزاری «صبا» واکنشی نشان نداده است. ماه گذشته عربستان اعلام کرد موشک اسکاد حوثی را که به‌سوی عربستان شلیک شده بود در هوا منهدم کرده است. این نخستین بار بود که حوثی‌ها از موشک اسکاد استفاده می‌کردند. برد اسکادهای حوثی‌ها حدود ۳۰۰ کیلومتر تخمین زده می‌شود. از سوی دیگر شبکه «العربیه» که به عربستان‌سعودی وابسته است، در گزارشی از بمباران کارخانه موشک‌سازی حوثی‌ها واقع در منطقه «ساقین» در استان صعده در شمال یمن، توسط جنگنده‌های ائتلاف عربی به رهبری سعودی خبر داده است. از سوی دیگر، هم‌زمان با انتشار مجدد اخباری از موافقت عربستان با آتش‌بس جدید در یمن، منابع آگاه اعلام کردند دولت مستعفی یمن دائمی‌بودن هرگونه آتش‌بس احتمالی، اجرای قطع‌نامه ۲۲۱۶ شورای امنیت و عقب‌نشینی حوثی‌ها از شهرهای این کشور را شرط موافقتش با آتش‌بس مجدد اعلام کرده است.

شلیک ۳ راکت از مصر به اسرائیل

● شبه‌نظامیان وابسته به گروه «داعش» در مصر اعلام کرده‌اند آنها مسئول شلیک سه راکت به اسرائیل بوده‌اند. این گروه که خود را «ولایت سینا» می‌نامد و مدعی است با گروه داعش هم‌پیمان است گفته شلیک این راکت‌ها به اسرائیل، در اعتراض به «حمایت تل‌آویو از ارتش مصر» است. تل‌آویو اعلام کرده دو راکت در مناطق جنوبی اسرائیل به زمین برخورد کرده، اما هیچ تلفاتی بر جای نگذاشته است. گفته می‌شود اگر ادعای حمله از طرف وابستگان داعش در مصر صحت داشته باشد، نگرانی امنیتی عمده‌ای برای اسرائیل خواهد بود.